



نظری بوضع داروودرمان

درگذشته



درموقع ورودمن باصفهان چند نوع درمانی معمول بود بقرارزیر :

۱- طب جدیدکه مطابق معمول طب فرنگی برروش درمان بوسیله اضداد قرار گرفته که اصطلاحاً آنرا «الوپاتی» Allopathy نامند وطب رایج فعلی است.

۲- طب «سنتی» یاقدیم که برهبنای مکتبهای قدیم وفلسفهای مربوط به آن وبیشتر براصلدرمان با مواد طبیعی مخصوصاً «گیاهی» وگاهی اوقات «حیوانی» یامعدنی قراداشت .

۳- روشهای دیگر که کمتر معمول بود ولی تك تك طرفدارانی داشت از قبیل طب هوموپاتی Homopathy (یا معالجه مثل به مثل) وطب دوازده ملجی یاطب شوسلر Schussler که پیدایش بیماریها را براساس کمبود املاح مختلف مخصوصاً دوازدهملج یا عنصر مهم طبیعی میدانست ودرآخرمقال باین دونوع طب اشاره خواهم کرد.

۴- طب «عوام» که برهبنای تجارب معمرین - اعم از مکتوب یا غیرمکتوب قراداشت وبیا مخلوطی از تجارب اینگونه مردم وطب سنتی یاقدیم بود و دراکثر خانوادهها رواج داشت .

البته خوانندگان میدانند که درایران ضرب المثلی است که «هر ایرانی ازسه هنر حتما کموبیش اطلاع دارد ودرآنها صاحب نظر است: یکی طبابت است که هر کس هم طبیب خودش

است و هم درباره تشخیص و درمان و هدایت بیماران دیگر اظهار نظر می کنند. دوم آوازه خوانی است که هر کس از آن بهره مند است و سوم معماری است و اظهار نظر در ساختمان و مسکن مخصوصاً درباره دیگران.

گنج‌های داروئی خانوادگی

بنابر اصول فوق جای تعجب نخواهد بود اگر بگوئیم که در زمان قدیم و شاید هم تا حدودی در زمان حال - همه کس خود را شایسته دخالت در امر طبابت می دانست. عده‌ای از این داروها خانگی و معمول بود که از قدیم در هر خانواده موجود بود از قبیل :

خاکشی برای ناراحتی‌ها ضمه

قدومه شیرازی و تخم شربتی یا تخم بالنگو برای تیرید و خنک کردن مزاج

ورفع عطش

گزلغنی و گز خوانساری و ترنجبین و شیرخشت و شکر سرخ برای نرم کردن مزاج و شیرین کردن جوشانده‌ها و گاه تیرید روغن بادام شیرین و عناب برای تلپین و خنکی مغز ناخنک (اکلیل) و خارخاسک برای تب بر شاه تره، افسنطین، گل بومادران برای دردهای شکمی.

آوبشن شیرازی و هم چنین پونه کوهی یا کاکوتی (که در اصفهان آنرا مشک تراشک یا طرا مشیح نیز می گفتند) برای نفخ و درد شکم مخصوصاً پس از خوردن باقلا و لوبیا و سیب زمینی.

بارهنک برای اسهال.

به دانه برای سرفه و هم چنین گل بنفشه، پرسیاوشان، عناب و سه پستان.

گل گاوزبان و سنبل الطیف و بادرنجبویه برای قلب

گل حلوا برای زیاد کردن ادرار و ضد تب

گل و ریشه ختمی و گل پنیرک برای سینه و لپنت مزاج

چهار تخم (تخم خیار و خیارچنبر و کدو و خرفه) برای خنکی در تبها

و بالاخره تریاک که دوی هر دردی بوده و هست

معمولاً جز و جهیزیه دختران و هم چنین در موقع فرستادن سیمونی (یعنی وسائل مربوط به نوزاد که از طرف خانواده دختر برای خانه شوهر او قبل از زایمان فرستاده میشود) نمونه‌ای از هر کدام از داروهای فوق فرستاده می شد - و چه خوب رسمی بود که دختر و خانواده اش متکفل تهیه تمام وسائل و احتیاجات خانه بودند مگر مخارج یومیه که بمهده شوهر بود! البته این تکفل و تعهد بر حسب رسوم هر خانواده و عادات هر محل از نظر میزان و طول مدت فرق می کرد و معمولاً اسباب دست و افزار کار خانواده تأمین می شد و از آن جمله مصرف داروئی معمولی خانواده لاقل برای یک سال).

یک داروی سازگار

از بین داروهای فوق هنوز هم عده‌ای مرسوم است و خاکشی یخ مال را که بسبب فرنگی‌ها اخیراً در کاروان‌های حج به‌ذائقه خدا می‌خورانند از بقایای آن است و در اینجا بد نیست نکاتی چند درباره این گیاه مفید بومی با اطلاع برسانم.

خاکشی (اصفهائی) یا شفتربک (شیرازی) یا سودان (تبریزی) یا شیوژان (ترکی) یا خبه (عربی) که گیاه آنرا درمازندران «سلم بی» می گویند دانه گیاهی است بنام لاتین Soba Sisymbrium از تیره شب بوست که گیاه آن با ارتفاع ۲۰ سانتیمتر تا یک متر است با برگهای بریده بسیار و گللهائی بزرگ زرد روشن که در غالب نواحی ایران و حتی در باغها و خانهها و دشتهای روییده برای جوشانده گیاه آن و هم چنین تخم آن خواص متعددی در قدیم می شمرده اند ولی فعلاً آنچه بنام «خاکشی» مصرف می شود تخم آن است که قرمز رنگ یا نارنجی تیره بود. و معروف همه است. بواسطه خاصیت لعاب دهنده که دارد در درمان بعضی انواع یبوست و اسهال که با اصطلاح طب امروزی آنرا کولیت می نامند مخصوصاً در نوعی که بیشتر با اسهال کاذب همراه است و فوق العاده در بین ما مخصوصاً نزد زنان شایع است بسیار مؤثر است و اینجانب بسیاریان عقیده دارم و مردم زیادی بآن معتقدند تا جائیکه یکی از همکاران جوان لقب اینجانب را «دکتر خاکشی» گذاشته و من باین لقب افتخار می کنم زیرا اذ دارویی مصرف می کنم که نه فقط ریان بخش نیست بلکه دارای اثرات مفید و مشخصی است که در بالا ذکر شد و مهم اینکه مال مملکت خودمان است و منافعی به جیب ایرانی و زارع ایرانی می رود.

البته در اصطلاح «خاکشی مزاج» نیز با شخصی می گویند که باغرا و آدمی سازگاری دارند و مرادف «شیرخشتی مزاج» یا «سبب زمینی مزاج» یا «بیرگه» است و شاید وجه تسمیه این اصطلاح هم از خواص «خاکشی» گرفته شده است که به بسیاری از مزاجها اعم از سرد و گرم و رطوبتی و خشک می سازد خدا را شکر که گرچه «دکتر خاکشی» هستم «خاکشی مزاج» نیستم.

داروهای بادشکن

یکی از مشکلات فراوان خانواده مخصوصاً کودکان و پر خورها که غذاهای ثقیل و با اصطلاح «باددار» چون حبوبات، میوهجات و سبزیجات خام و غیره میخورند - ابتلا به ناراحتیهای هاضمه و دل درد است که مسلماً از روزی که بشر خوردن شناخته و هر چیزی را که در دسترسش بود می خورد موجود بوده است و طبیعتاً داروهای نیز به تجربه برای این عارضه شایع شناخته و استعمال آنرا گسترش داده است - از طرف دیگر چون بعقیده قدما و مخصوصاً توده مردم بیشتر عوارض بیماریها نام «باد» خوانده می شود (و این بهترین لغتی است که برای تعبیر دردهای گردش کننده و نا ثابت بدون نشانه های عینی واضح بکار می رود)

استعمال داروهای که ضد «باد» و یا «بادشکن» باشد طبیعتاً مورد توجه عام قرار گرفت.

البته داروهای «بادشکن» که در طب قدیم مصرف می شود بیشتر برای رفع «بادهای شکمی» و انواع دردهای رماتیسمی غیر مشخص (که بعقیده مردم ارتباط با باد شکم و نفخ دارد و بنظر هم چندان دور از حقیقت نمی آید) بکار می رود و همه آنها از این نظر بسیار نا فعا هستند مانند آفستین شاتره - آویشن شیرازی - کاکوتی - گل بو مادران و نظائر آن که چون در اغلب نقاط ایران می رویند و برعکس داروهای عطاری دیگر از خارج وارد نشده و همیشه نسبتاً تازه بدست می رسد این داروها علاوه بر تسکین ناراحتیهای هاضمه در دفع انگل های روده ای نیز اغلب مؤثر بوده و اینجانب آنها را توصیه می کنم مخصوصاً که طبق حدیثی که به حضرت رسول منسوب است:

«المعدة بيت كل داء والحمية رأس كل دواء» یعنی «شکم» سر کرده همه بیماریهاست و پرهیز و نخوردن سیر همه داروهاست، و چون ما معمولاً نیمه اول جمله مذکور را بیشتر وجهت همت خود قرار داده و از نیمه دوم غفلت می‌ورزیم بیشتر دچار بیماریهای هاضمه و «شکم خوارگی» می‌شویم و احتیاجمان به این «بادشکن»ها زیادتر خواهد بود.

جوشانده های فوق مخصوصاً آویشن شیرازی و پونه و نعنای خاصیت اشتها آور نیز دارند و قطعاً عده‌ای از خوانندگان هنوز بیاد دارند سید ضیاء الدین طباطبائی و پیران اورا (حزب اراده ملی یا عنفات ملی) که بجای جای از دم کرده نعنای استفاده می‌کردند و مسلماً فوائد آن وجوشانده‌های مشابه از «کولا» یا «کلا»های ساخت خارجه و مونتاژ شده داخله بیشتر خواهد بود مخصوصاً که منافع آن‌ها به جیب هموطنان ما می‌رود و اینها به جیب...»

امیدوارم در فرصت مناسبی بمعرفی اینگونه گیاهان دارویی مفید ایرانی بپردازم.

شاه تره

کلمه‌ای چند نیز درباره یک گیاه بد مزه و مفید دیگر باطلاع خوانندگان برسانم. شاه تره که اسم لاتینی آن *Fumaria Officinalis* است و از طایفه نزدیک به تریاک و شقایق بوده و گل‌های آن بنفش و سفید و کوچک و برگ‌های آن دندانه‌دار و سبز تیره و در همه باغهای ایران و گاه در کنار جاده‌ها می‌روید - گیاهی است معروف و استعمال آن شایع و در تسکین همه دردها مخصوصاً درد های شکمی بسیار مؤثر است - منتها این گیاه نیز مثل دفتای یاد شده‌اش باندازه گیاهان شایع چون «خاکش» و «بادشکن»ها بی‌ضرر نیست و باید بمقادیر کم استعمال شود والا سمی است و طعم آن بسیار تلخ.

شاه دارو

البته خوانندگان حدس زده‌اند که منظور نگارنده از این «لقب» تازه درآمده کدام است.

- این همان تریاک خودمان است - که بعلمت اثرات مفید و همه‌جانبه آن و مخصوصاً دسترس بودن آن در تمام خانواده های قدیم تا ۴۰ - ۵۰ سال قبل از تمام داروهای دیگر بیشتر مورد استفاده خانگی داشته و میوه نارس و خش زده خشک شده آن که بنام «کوکنار» موسوم بود در هر خانه‌ای یافت می‌شد منتها مثل هر داروی مؤثر و مفید استعمال نابجای آن بسیار زیان بخش و گاه کشنده است، مضافاً باینکه بزرگترین عیب آن «اعتیادی» است که در تمام انواع آن وجود دارد و بهمین دلیل مصرف طبی آن بدون اجازه پزشک قانوناً قدغن است - اما بیاد بیاورید زمانی را که در مملکت ما برای هر صد هزار نفر یک پزشک ولو پزشک مجاز موجود نبود و همانطور که در یاد داشته‌های خود عرض کرده‌ام در تمام شهرستان اصفهان و توابع در آن روزگار ۲-۳ پزشک دپبلمه و ۱۰ نفر پزشک مجاز وجود نداشت،

طبق نوشته‌ای که از آقای عیسی قلی‌امیر نیرومند بخط خود آوردم در ۵۰ سال پیش در اصفهان و توابع (یعنی شهرستانهای مجاور آن و تمام استان اصفهان و چهارمجال بختیاری و غیره) اطباء زیر به کار مشغول بوده‌اند:

- ۱- میرزا مسیح‌خان (دانشور) - حافظ الصحه
- ۲- میرزا محمودخان طبیب ظل‌السلطان
- ۳- احتشام الحکماء - رئیس صحیه
- ۴- صدیق‌الاطباء لقمانی - طبیب نظمیه
- ۵- میرزا احمدخان محیی - پزشک آزاد
- ۶- دکتر مزین السلطان - رئیس بهداری ژاندارمری
- ۷- سید محمد باقر بیدآبادی حکیم - درمسجد لبنان
- ۸- حکیمباشی باغباردانی - (چهرازی)
- ۹- این اواخر دکتر امین‌الجلوه - رئیس بهداری قشون (ارتش)
- ۱۰- پزشک‌های بیمارستان مسیحی: دکتر کار و دکتر مارابل
- ۱۱- دکتر کاجپیرونی - در بیمارستان خورشید

البته عده دیگر نیز با روش طب قدیم مداوا می‌کرده‌اند که مشارالیه نام آنانرا از قلم انداخته است که ما بنام چندتن از آنان اشاره کرده‌ایم.

بنابراین در یک چنین زمانی و آنچنان شرایطی که همه می‌دانیم اگر خانواده‌های ایرانی برای شفای هر ددی از ارزانترین و فراوانترین و مؤثرترین مسکن دسترس خویش که تریاک باشد استفاده نمی‌کردند از چه می‌کردند؟

من در اینجا نمی‌خواهم از استعمال و مخصوصاً کشیدن تریاک بعنوان هوس یا تفتن و نظائر آن دفاع کنم یا آنرا ترویج نمایم زیرا آنانکه مرا می‌شناسند و نوشتجات مرا خوانده‌اند می‌دانند که من همیشه در ردیف اول مبارزان با تریاک بوده‌ام و شاهد آن مقاله‌ای است که در سالهای قبل از ۱۳۲۰ در روزنامه محلی نقش جهان اصفهان و بعداً در خواندنیها نوشته‌ام. اما در جستجوی علت استفاده همگانی خانواده‌های قدیم ایرانی از این داروی مؤثر نمیتوانم واقمیت‌ها را نادیده انگارم ولی مدافع آن نیستم مخصوصاً که قربانیان استعمال بيمورد این داروی مؤثر بویژه در بین کودکان معصوم فراوان بوده اند چه بسا کودکان زبان بسته‌ای که با خوردن جوشانده کوکنار برای ابد زندگی را از دست داده‌اند یا مردمان دیگری دچار اعتماد به این بلای خانمانسوز شده‌اند. اما متأسفانه جانشینان «فرنگی» تریاک اعم از هر وئین و مشابیهین آن یا سایر داروهای ظاهراً «آرام بخش»، اما اعتماد دهنده نیز دست‌کمی از سر کرده خود ندارند و چه بسیارند مردمی که خودسرانه یا بدست ما پزشکان دچار مصرف اینداروها می‌شوند و جان و مال و روان خود را تلف می‌سازند.

شاهدانه

شاهدانرا در اینجا برای این آوردم که ذهن خوانندگان را از نظر تداعی کلمات

متوجه گیاه فراوان دیگری در ایران و هند بنمایم که دانه آن بنام «شاهدانه» جزو آجیل‌های معروف و شب چره‌های ایام عید است و معمولاً با گندم یا جو یا برنج بوداده با یا بدون کشمش مصرف می‌شود و برک و گل و ساقه آن در بعضی نقاط ایران و مخصوصاً در شبه‌قاره هندوستان برای تهیه «بنگ» و «حشیش» و «دماری جوانا» و غیره بکار می‌رود چون مصرف مقدار زیاد شاهدانه نیز ممکن است نوعی گیجی و شنگولی بیار آورد - یاد آوری آن شاید بيمورد نباشد - خوشبختانه در بین مردم ایران (لااقل در صفحات ما) خود گیاه شاهدانه مصرف نمی‌شود.

مهر گیاه

سخن به گیاهان شایع خانواده گی رسید بد نیست بطور معترضه چند کلمه‌ای نیز در باره یکی از گیاهان قدیمی که در خانواده‌ها گاهگاه برای مصارف مخصوص استعمال می‌شد و فروشندگان آن معمولاً کولیاها بوده‌اند اشاره کنم.

این گیاه که ریشه گیاه ماندرراگور Mondragora (از طایفه بلادون و بادنجان و گوجه‌فرنگی) گرفته می‌شود و خواص دارویی آن شبیه به بلادون است یعنی مقادیر کم آن صورت را برافروخته و داغ و چشمها را با حالت و مردم‌کها را گشاد و خوشگل و مغز را فعال و عواطف را تند و دهان را خشک می‌سازد و احتمالاً در اوائل تمایلات جنسی را نیز بیشتر می‌سازد - ولی مقادیر بیشتر آن یا مداومت در استعمال آن نوعی مسمومیت حاد کشنده یا مزمن با نشانه‌های روانی تولید می‌کند که کار را بجنون می‌کشاند. در قدیم از خواص این گیاه که در کوهستانها می‌روید برای افزایش تمایلات جنسی (که بنظر من بیشتر خوشگل‌تر کردن زنان منظور بود لغت بلادون هم اصل اسپانیائی آن BellaDona است یعنی خانم خوشگل و گفتم که خاصیت مهر گیاه از خیلی جهات با بلادون شبیه است و اینداروها را بزنان می‌داده‌اند که جذاب‌تر شوند چون همه مشخصات جذابیت که گرمی و داغی و قرمزی و التهاب و عطش و گشادی مردم‌ک باشد جز و اثرات آنست). و برای افزایش مهر و محبت و تولید «گرم مزاجی» استفاده می‌شده است - متأسفانه همانطور که گفتم استعمال بی‌رویه آن منجر به مرگ یا جنون می‌شده است و فروشنده آن نیز معمولاً کولیان دوره گرد بودند. وجه تسمیه دیگری نیز برای این گیاه به «مهر گیاه» ذکر کرده‌اند و آن شکل ریشه آن است که مانند «دوجفت بهم چسبیده انسانی» است و نامهای خارجی آن نیز اغلب بهمین معنی است.

تبرید

یکی دیگر از عادات توده مردم استعمال جوشانده‌ها یا «عرق‌جات» است که برای تصفیه خون از قدیم معمول بوده و هنوز هم کم و بیش هست از آن جمله عرق‌های بیدمشک - شاهتره - کاسنی - بهار نارنج - که مخصوصاً در شیراز مرسوم است و البته طرز تهیه و آشامیدن آن آداب و رسمومی دارد که حتماً باید رعایت شود و الا آن اثراتی را که باید نخواهد داشت.

بقیه در صفحه ۲۹

کشور زندگی کرده‌اند هجرتی مخصوص و مهری شایان توجه بایران دارند مثلاً بعضی از سفراء انگلیس که به ایران آمده‌اند و یکی دو تایی آنها را در لندن ملاقات کرده‌ام و احیاناً میهمان آنها بوده‌ام به زبان فارسی و کشور ایران و شاه ما علاقه نشان می‌دهند و آرزوی دیدار مجدد این کشور را دارند. بنده خودم دوست استادی دارم که فرانسوی است و در دوره رضاشاه کبیر در دارالمعلمین عالی تدریس میکرد این شخص اکنون در دانشگاه کلمبیا در نیویورک استاد ادبیات فرانسه است. نام این استادان هیتیه می‌باشد که شاعر

و نویسنده عالی قدری است. با مقدار کمی فارسی که بخاطرش مانده سعی میکرد با فارسی شکسته خود با ما صحبت کند. همین شخص تألیفات زیادی دارد که در یکی از تألیفات خود آنرا تقدیم بمرحوم علاء نموده است.

دختر آقای ژان هیتیه در تهران متولد شده و اکنون از استادان یکی از دانشگاههای امریکا است. همسر آقای هیتیه از نام ایران لذت میبرد و هر بار که اسمی از ایران برده میشود یادآور خاطرات گذشته او در ایران است و اشک در چشم او حلقه میزند.

بقیه از صفحه ۲۴

این «عرق جات» که مانند گلاب با دستگاه قرع و ابلیق وطنی تهیه می‌شود - عرق گیاهان مختلف را در فصول مناسب که معمولاً فصل بهار است می‌گیرند و یکی از صادرات شیراز بشمار می‌رفت - عرق بهار نارنج و عرق بیدمشک چون معطر است برای تقویت قلب (مقصود ناراحتی‌های عصبی قلبی و عروقی است) مفید بود. و گاهگاه مخلوط با شکر بنام «میرده» و خنک کننده مصرف می‌شود - آب انار و شربت آلبالو و آب زرشک و جوشانده تمر هندی یا تمر گجرات نیز همین خاصیت‌ها را دارد. از خنک کنندگان دیگر آب «آلو» است که در بیشتر شهرستان‌های ایران مرسوم بود. و بواسطه خاصیت تلین و پتاسیمی که داراست شربت گوارائی است. این «آب آلو» و سکنجبین و معادل درجه دوم آن که «سرکه شیر» باشد از بهترین مشروبات گوارا خنک کننده است و بسیار بجاست اگر بجای «کولا» های مختلف رواج یابد - مشروط به اینکه در تهیه و عرضه آن رعایت امانت و بهداشت گردد از خیسانده دیگر میوه جات که در ردیف «آب آلو» در بین مردم شایع است و خاصیت تلین بسزا دارد آب انجیر - آب پر (که مقصود برگه زردآلو و هلو است) است که اولی مخصوصاً از بهترین داروهای ملایم تلین دهنده است.

یک خنک کننده جالب

یکی از خنک کنندگان که بعنوان ضد تب و مدر در تب‌ها مصرف می‌شده و می‌شود «ماء الشعیر» است که عربی «آب جو» است و آن بوسیله خیساندن جوی پوست کننده در آب و کمی جوشاندن آن است بطوریکه لعاب پیدا کند - این مشروب در اغلب تب‌ها مفید و هم بعنوان دوا و هم غذا بکار می‌رود و در اشخاص تب‌دار که فاقد اشتها هستند هم مشروب است و هم غذا و هم دارو (زیرا مدر خوبی است) - البته «آب جو» را نباید با «آبجو» اشتباه کرد که آن مشروب الکلی است و از تخمیر جو بدست می‌آید. (ادامه دارد)